



**An Analysis of the Onomatopoeia in Quran based on
IbnJani's morphology theory: A case of sound
combinations of (ح، ل، م)**

Roya Esmailian¹, Abbas Eghbaly^{2*}, Ali Bashiri³

1. PhD student in Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.
2. Faculty member, Associate Professor of Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.
3. Faculty member, Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.

Received: 12/05/2019

Accepted: 10/12/2019

* Corresponding Author's
E-mail: aeghbaly@kashanu.ac.ir

Abstract

Sounds is the main tool for embodying meaning and conveying mental concepts to the audience. According to Ibn Jani, Ava has an inherent meaning, which is consistent with the term phonology in contemporary linguistics. Accordingly, the role of inductive sounds, the rhythm of which has a special meaning in mind, is significant in the analysis of the meanings of the Holy Quran. He also claims a semantic connection between derivatives whose original number and type of sounds are the same but different in the order of the letters. Since phonetic signification has a clear scientific basis, there must naturally be a semantic commonality between words with common letters (with special connotations), just as the discovery of semantic connection between derivative derivatives is one of the introductory lexical topics for understanding verses. However, the high number of words of great derivation in the Qur'an also necessitates attention to this type of derivation. Therefore, the present article seeks to investigate and investigate the semantic relationship between the derivatives of " (ح، ل، م) " on a case-by-case basis with a descriptive-analytical method and through linguistic study of inductive sounds and discovering the fit between word and meaning. Examine its role in understanding the vocabulary of the divine word and answer the questions raised:

1. Based on the phonetic process, what are the semantic implications of the phonetic arrangement in the Qur'an with the focus on the sounds "(ح، ل، م)?"
2. According to Ibn Jani's theory, what kind of semantic fit does the derivatives of the sounds "(ح، ل، م) " have?



T. M. U.

Language Related Research

E-ISSN: 2383-0816

*Vol.11, No.3 (Tome 57),
July, August & September 2020*



3. What is the function of explaining phonetic data in derivatives of " (ح، ل، م) (م؟)"

Accordingly, the research hypotheses are:

1. The arrangement of letters corresponds to its semantic functions and implies the meaning of these words.

2. There is a semantic and sometimes contradictory semantic connection between the roots that have a derivative similarity.

3. Some of the functions of research are to express the coordination of the results obtained from Ibn Jani's phonetics and theory, to analyze the semantic relationship of derivatives based on the principle of substitution. Also, while pointing to the value of sound in conveying the meaning and conveying the message, it reveals another aspect of the verbal, spiritual and economic miracle of the Qur'an.

According to the Qur'anic evidences and citations of linguists, one of the tools of God to convey the meanings and concepts to the audience more effectively is to use phonetic art with the aim of contemplating verses and strengthening the verbal, spiritual and economic miracle of the Qur'an.

The phonetic load of the letters is very close to the characteristics of the intended meaning and best conveys the meanings of the words. There is a coincidental and sometimes contradictory semantic connection between derivatives, because according to the phonetics of each sound, it is effective in embodying the meaning of a word. Also, based on derivation theory, it plays a role in receiving other meanings of derivatives with the same phonemes, just as the arrangements of " (ح، ل، م) " in the context of phonetic codes indicate common meanings: hidden heat, softness, closure and strength..

Keywords: The Holy Quran, phonetic semantics, Onomatopoeia, derivation, Ibne Jani



دوماهنامه علمی - پژوهشی

۱۱، ش ۳ (پیاپی ۵۷)، مرداد و شهریور ۱۳۹۹، صص ۳۱-۶۳

واکاوای نام آوایی در قرآن کریم با تکیه بر نظریه اشتقاق ابن

جنی: مطالعه موردی ترکیب آوهای «ح، ل، م»

رؤیا اسماعیلیان^۱، عباس اقبالی^۲، علی بشیری^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۲. عضو هیئت علمی، دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۳. عضو هیئت علمی، استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۹

دریافت: ۹۸/۰۲/۲۲

چکیده

زبان ابزار اصلی ارتباط انسان‌هاست. الفاظ یک زبان علامتی بیش نیستند و بر اساس روابطی که بین این علائم (دال) و معنی (مدلول) برقرار است، معنایی را می‌رسانند. مسلماً در ایجاد این ارتباط آواها نقش اساسی دارند و نشانه‌هایی برای فهم بهتر مقصود گوینده هستند. به ادعای ابن جنی زبان‌شناس (متوفی ۳۹۲ق) آوا دلالتی ذاتی بر معنی دارد، پدیده‌ای که به «نام آوایی» معروف است. قرآن کریم به‌منزله نمونه والای سخن در ابلاغ پیام خود از این ویژگی زبانی و آوهای القاگر که آهنگ آن‌ها معنای خاصی را در ذهن تداعی می‌کند، بهره گرفته است. هدف از این پژوهش، تحلیل ارتباط معنایی مشتقات برگرفته از آوهای «ح، ل، م» بر پایه نظریه ابن جنی و تبیین تناسب معنایی واژگانی آواها از رهگذر توصیفی - تحلیلی است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به اعجاز معنوی آوا در تفهیم مخاطب همراه با اعجاز کمینه‌گویی آن در تجسیم مفاهیم انتزاعی با کم‌ترین صوت اشاره کرد؛ زیرا مشتقات با واج‌های یکسان، معانی مرتبطی دارند؛ مثلاً تمام ترکیب‌های متفاوت «ح، ل، م» معنی حرارت پنهان، لطافت، بست و قوت را می‌رسانند.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، معناشناسی آوایی، نام آوا (صدامعنا)، اشتقاق، ابن جنی.

۱. مقدمه

آوا ابزار اصلی تجسیم معنا و انتقال مفاهیم ذهنی به مخاطب است. به ادعای ابن جنی^۱، آوا دلالتی ذاتی بر معنی دارد، که همسو با اصطلاح نام‌آوایی^۲ در زبان‌شناسی معاصر است. بر این اساس نقش آواهای القاگر که آهنگ آن‌ها معنای خاصی را در ذهن تداعی می‌کند، در تحلیل معانی قرآن کریم قابل توجه است. همچنین، وی مدعی ارتباط معنایی میان مشتقاتی^۳ است که تعداد و نوع آواهای اصلی‌شان یکسان، اما در ترتیب حروف متفاوت‌اند. از آنجا که دلالت آوایی مبنای روشن علمی دارد، طبیعتاً باید بین واژگان با حروف مشترک (دارای دلالت خاص) نیز اشتراک معنایی وجود داشته باشد، همچنانکه کشف ارتباط معنایی میان مشتقات به‌منزله یکی از مباحث

واژه‌شناسی^۴ مقدمه‌ای برای فهم آیات است، تعداد بالای واژگان اشتقاق کبیر در قرآن نیز ضرورت توجه به این نوع اشتقاق را می‌رساند. از این رو، مقاله حاضر درصدد آن است، با شیوه توصیفی - تحلیلی و از رهگذر بررسی زبان‌شناختی آواهای القاگر و کشف تناسب میان لفظ و معنا، به‌صورت موردی ارتباط معنایی بین مشتقات «ح، ل، م» را تحقیق و نقش آن را در فهم واژگان کلام الهی بررسی کند و به پرسش‌هایی که آورده می‌شود، پاسخ گوید:

۱. بر اساس فرایند نام‌آوایی، دلالت‌های معنایی چیش آوا در قرآن با محوریت آواهای «ح، ل، م» چیست؟
 ۲. طبق نظریه ابن‌جنی، مشتقات آوای «ح، ل، م» دارای چه نوع تناسب معنایی است؟
 ۳. تبیین داده‌های نام‌آوا در مشتقات «ح، ل، م» چه کارکردی دارد؟
- بر این اساس فرضیات تحقیق عبارت‌اند از:
۱. چیدمان حروف با کارکردهای معنایی آن تناسب دارد و به مفهوم این واژگان دلالت می‌کنند.
 ۲. بین ریشه‌هایی که همسانی اشتقاقی دارند، ارتباط معنایی از نوع ترادفی و گاهی تضادی وجود دارد.
 ۳. برخی از کارکردهای پژوهش عبارت‌اند از بیان هماهنگی نتایج به‌دست آمده از نام‌آوایی و نظریه ابن جنی، تحلیل ارتباط معنایی مشتقات بر اساس اصل جانشینی. همچنین، ضمن

اشاره به ارزش آوا در رسایی مفهوم و انتقال پیام، از جنبه دیگری از اعجاز لفظی، معنوی و اقتصادی قرآن پرده برمی‌دارد.

۲. پیشینه و ضرورت پژوهش

اندیشمندان به آواشناسی^۶، با انگیزه آدای صحیح الفاظ و درک بهتر مفاهیم قرآنی، توجه کرده‌اند. عائشه عبدالرحمن بنت الشاطی (۱۴۲۵) در *التفسیر البیانی للقرآن الکریم*، آیت‌الله محمود طالقانی (۱۳۶۲) در *پرتوی از قرآن*، مصطفی صادق رافعی (۱۴۲۱ق) در *اعجاز القرآن و البلاغه النبویه* و سید قطب (۱۹۹۵م) در *التصویر الفنی فی القرآن* به نقش آواها در قرآن توجه ویژه داشته‌اند. همچنین، به جنبه اعجاز موسیقایی و زیبایی‌شناختی^۷ آواها در قرآن کریم اشاره شده است، همچون مقاله «التحلیل الموسیقی لآی القرآن الکریم» که نویسندگان در آن به تلفیق دیدگاه‌های گذشته و جدید در زمینه موسیقی ناشی از آواها پرداخته‌اند (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴: ۵۹) یا «رویکردی به جنبه‌هایی از زیبایی‌شناختی موسیقی الفاظ قرآن کریم» که نویسنده بیان می‌کند، چنانچه مضمون آیه‌ای حامل بشارت باشد، لحنی نرم و آهنگی لطیف دارد (امیری، ۱۳۸۶: ۱۳۷). پژوهش‌هایی نیز در زمینه نشانه‌شناسی^۸ یا دلالت آوایی وجود دارد که از آن میان، مقاله «کاربردشناسی نشانه‌های آوایی سوره مرسلات»، از سوی فلاح و شفیع‌پور (۱۳۹۴) نشان می‌دهد حوادث عظیم قیامت در تصویرسازی حال مؤمنان و مجرمان سهمی سترگ دارند یا مقاله «بررسی اعجاز لفظی و هنری قرآن کریم و ارتباط آن با آوا معنایی»، از سوی بهاء‌الدین قهرمانی و محمدجواد جاوری (۱۳۹۵) را می‌توان نام برد. برخی نیز ضمن بررسی‌های سبک‌شناسانه بخشی را به سطح آوایی اختصاص داده‌اند، همچون «سبک‌شناسی لایه‌ای سوره مبارکه «نبا» اثر مهرانگیز خدابخش‌نژاد و همکاران (پژوهشی ادبی - قرآنی، شماره ۲، ۱۳۹۷) یا «سبک‌شناسی سوره واقعه» اثر پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه (پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن شماره ۷، ۱۳۹۷) که سوره‌ها را از نظر نحوی، آوایی و واژگانی بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های دیگری که ذکر همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

در بیشتر این پژوهش‌ها، بُعد زیباشناختی، تصویرسازی و اعجاز موسیقایی فواصل آیات یا تکرار آوا مورد توجه بوده و کمتر دلالت ذاتی آوا در انتقال معنا تحلیل شده است. در زمینه

صدامعنایی یا نام‌آوا نیز رمضان عبدالطوب (۱۳۶۷) در مباحثی در *فقه اللغة*، تأثیر نام‌آواها و تقابل آن با مبحث مترادفات را بررسی کرده است یا وحیدیان کامیار (۱۳۷۵) در *فرهنگ نام-آوایی*، تنها به فهرست‌نویسی انواع نام‌آوا می‌پردازد. سیروس شمیسا (۱۳۸۱) در *نگاهی تازه به بدیع*، صدامعنایی را به دو نوع هم‌حروفی و هم‌صدایی تقسیم می‌کند. احمدی گیوی و انوری (۱۳۸۶) در *دستور زبان فارسی*، ذیل مبحث نام‌آوا، تنها چگونگی ایجاد صدا و قاعده ساختار زبانی آن را توضیح می‌دهد. در زمینه صدامعنایی یا نام‌آوا در شعر فارسی جستارهایی چون «صدامعنایی در شعر گفتاری معاصر» اثر محمدی و کمرخانی (۱۳۹۳) انجام گرفته که به چگونگی آفرینش صدامعنایی و انواع آن پرداخته است یا مقاله «صدامعنایی در شعر اخوان» (۱۳۹۵) از سید شهاب‌الدین حسینی که کاربرد این آرایه را سبب افزودن موسیقی لفظی متن می‌داند. منابعی چون *فروق اللغات جزایری* (۱۳۸۰) یا *الفروق فی اللغة ابو هلال عسکری* (۱۴۰۰) در حوزه واژه‌شناسی نیز بیشتر به‌جای مدنظر قرار دادن حرکت تقریبی بین واژگان و نزدیک ساختن ریشه‌ها به هم، حرکتی در جهت مقابل، یعنی توجه به تفاوت‌ها را تأکید کرده‌اند که در جای خود ارزشمند است؛ افزون بر این موارد، آثار دیگری که هزاران واژه به‌ظاهر منفصل را به سلک هم‌بستگی بکشاند، یافت نمی‌شود، حتی (اشتقاق^۱) ابن درید (۱۳۷۸ق)، (معرب) جوالیقی (۱۹۶۶) (المزهر)، سیوطی (۱۹۵۹) و ... با تکیه بر حدس و گمان این موضوع را به‌صورتی جسته و گریخته از نظر گذرانده‌اند یا نمونه‌وار به تعداد اندکی از واژگان بسنده کرده و تلاشی چندانی برای اثبات آن نکرده‌اند. به‌نوعی این نوع اشتقاق مورد بی‌مهری علمای ادب قرار گرفته است. با وجود مقالاتی چون «فرهنگ اشتقاقی تطبیقی واژگان قرآن کریم» (۱۳۸۸)، نوشته ابوالفضل خوش‌منش که سیر تاریخی واژگان و ارتباط آن را با زبان‌های دیگر بررسی کرده است. به‌نظر می‌رسد، مقوله اشتقاق (ریشه‌شناسی) در دهه اخیر کمتر مورد توجه بوده است. همچنین، فرهنگی که به ارتباط واژگان هم‌ریشه در قرآن کریم یا واژگانی که با یکدیگر اشتقاق دارند، پردازد و ارتباط آن‌ها را با آواهای اصلی مشترکشان در قالب خوشه‌های واژگانی بیان کند، کمتر یافت می‌شود بنابراین، این پژوهش شیوه‌ای ابداعی دارد. برخی نیز به معناشناسی واژگان قرآنی پرداخته‌اند؛ همچون مقاله «معناشناسی رحمت رحیمیه در قرآن» (۱۳۸۹) اثر اعظم پرچم و همکاران که تنها به تفاوت معنایی صفت «رحمن» و «رحیم» اشاره

کرده و در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث منتشر شده است یا «ریشه‌شناسی واژه قرآنی (علم) در زبان‌های سامی» (۱۳۹۵) اثر علی حاجی‌خانی و همکاران که معانی این ریشه را مطالعه کرده است. مقاله دیگری نیز با عنوان «فرایندهای واجی در قرآن» (۱۳۹۸) اثر شهریار ضیاء آذری و همکاران است که به نمونه‌هایی از ابدال در واژگان پرداخته و در مجله جستارهای زبانی به چاپ رسیده است.

علاوه بر این اشتقاق به‌مثابه پدیده‌ای دیرینه در فقه‌اللغة عربی، یکی از چالش‌های دستیابی به شیوه روشمند فهم واژگان است و توجه به واژگان قرآنی که با یکدیگر اشتقاق دارند، می‌تواند در ایجاد فضای علمی و بینشی سازماند مؤثر باشد (خوش‌منش، ۱۳۸۸: ۱۱). نتایج حاصل از این پژوهش - که بر اساس اصل کم‌کوشی، روشی کدینگ و سریع جهت فراگیری آسان‌تر مفاهیم واژگان بی‌شمار و تسلط بر آنهاست - می‌تواند دست‌کم در عرصه کمک به مشتاقان مفاهیم قرآنی و دانش‌آموختگان زبان عربی سودمند باشد یا مورد استفاده مؤسسات قرآنی قرار گیرد و گامی در جهت تبیین وجوه اعجاز قرآن باشد. با وجود همه پژوهش‌های ارزشمند تاکنون درباره ارتباط معنایی مشتقات «ح، ل، م» تحقیقی فراگیر و منطبق بر رویکرد اشتقاق و نام‌آوایی و کاربرد آن بر ریشه‌های قرآنی، همچنین، تحقیقی با عنوان نام‌آوایی در قرآن کریم انجام نگرفته است. در این جستار متفاوت با تحقیقات پیشین علاوه بر تبیین ویژگی حروف، شکل ساختاری دستگاه صوتی در هنگام تلفظ آوا و تأثیر آن در توصیف معنای آوا، شکل نوشتاری حروف نیز به‌منزله ابزاری برای کشف و تبیین معنای آوا پیشنهاد شده و سعی شده است گذشته از بیان جنبه اعجاز آواها در انتقال معنا، اعجاز اقتصادی آنها نیز بیش از پیش آشکار شود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

آواها^۱ راهنمای مفهوم الفاظ و اولین گام برای تفسیر زبان هستند. همچنین، هر دو صورت گفتاری و نوشتاری واژه، نشانه‌ای بر معنای نهفته در آن است (الدایه، ۱۹۹۶: ۱۵). دانشی که به تبیین ارتباط آوایی - معنایی واژگان می‌پردازد، معناشناسی آوایی^۲ نام دارد و به سبب اینکه کدهای آوایی را بازخوانی می‌کند (حسینی، ۱۳۶۶: ۷)، بخشی از دانش نشانه‌شناسی به‌شمار

می‌رود. این دانش، بهترین کلمات را آن‌هایی می‌داند که به محض شنیدن‌شان، معنا را منتقل می‌کنند (قهرمانی و جاوری، ۱۳۹۵: ۱۲۷). به بیان دیگر، آوا دلالت ذاتی بر معنی دارد که با طبع انسان مأنوس بوده و استفاده از سابقه ذهنی وی نسبت به محسوسات طبیعت است. این مسئله از دیرباز در یونان مطرح بوده و افلاطون در رساله *کراتیلوس*^{۱۱} به رابطه ذاتی بین دال و مدلول معتقد بوده است (انیس، ۱۹۸۴: ۶۳) و بیان می‌دارد: کلمه را طبیعت تعیین می‌کند نه قرارداد و کلمه اصالتاً چیزی را بیان می‌کند که بر آن دلالت دارد؛ اما مهم‌ترین بیانات، درباره نظریه مناسب‌ت طبیعی آوا بر معنا، گفته‌های ابن جنی است. وی مدعی تأثیر همخوان‌ها در القای معنی خاص است؛ مثلاً کاربرد واژه «قضم» را به دلیل نیرومندی «قاف» در جویدن چیزهای خشک می‌داند (ابن جنی، ۱۹۵۶: ۱۶۵). هر چند در مقابل نظریه ذاتی، نظریه قراردادی بودن دلالت لفظ بر معنا مطرح است و برخی نیز چون اپیکور^{۱۲} موضعی بینابین را برمی‌گزینند که صورت واژه به‌طور طبیعی پدید می‌آید؛ ولی وضع آن را پردازش می‌کند (روبینز، ۱۹۹۷: ۴۹)؛ اما در مقام وضع نیز، زبان‌شناسان معتقدند، قرار دادن لفظ در برابر معنا بی‌تناسب نیست و نوعی ارتباط میان آوا و معنا متصور است (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۴: ۵۲). همچنین، وضع واژگان متناسب با حالات نفسانی انسان اولیه و اثری بود که معنا بر روان او می‌گذاشت. او با طبیعت سروکار داشت و هر چیز تازه‌ای را که در کنارش حس می‌کرد، نام‌گذاری می‌کرد؛ اما به تدریج نام‌گذاری از مرحله آفرینش به تکرار کشید (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸۸). بنابراین، صدایی که هم‌زمان با تصویر رخ می‌داد، نام آن را دربرداشت (Yule, 1996: 8). از آنجا که متفکران اسلامی بزرگی چون خلیل بن احمد فراهیدی، سیبویه، عباد بن صیمری^{۱۳}، میرداماد^{۱۴}، ابوعلی فارسی و... از طرفداران رابطه طبیعی لفظ و معنا هستند (نیکوبخت، ۱۳۸۳: ۱۱۹)، درخور توجه است. همچنین، بسیاری از زبان‌شناسان و ناقدان عرب از جمله غنیمی هلال و احمد محمد قدور نظریه دلالت آوایی حروف را تأیید می‌کنند (قائمی و صمدی، ۱۳۹۰: ۷۵). علی عبدالواحد وافی، صبحی صالح، ابراهیم انیس و... نیز با ابن جنی هم‌سو هستند (یاسوف، ۱۳۸۸: ۲۳۹). الکرملی^{۱۵} (۱۹۳۸: ۱) در توضیح نظریه ابن جنی می‌گوید: زبان تقلیدی از صداهای حیوانات و طبیعت است (قدور، ۱۹۹۹: ۱۹۳). به همین دلیل بین حروف و مفاهیم واژه ارتباطی ذاتی وجود دارد. همچنانکه در بیشتر زبان‌های دنیا کلماتی که با «ک» شروع می‌شوند، همچون کلاه،

کاپشن، کلاسور و... بر معنی پوشش چیزی بودن، دلالت دارند (پرین، ۱۳۷۳: ۱۰۰). بنا بر نظر سید قطب نیز واژگان با معنای خود رابطه طبیعی داشته‌اند که در آغاز روشن و قابل تفسیر بوده؛ اما با گذشت زمان توجیه این رابطه دشوار شده است (۲۰۰۳: ۴۶). الگزانر پوپ نیز معتقد است، آوا بازتابی از معنا است (نک: ولک، ۱۳۸۸: ۴۳۵) و از آنجا که آواها از زوایای روح انسان برمی‌آیند، میان ذهن و زبان رابطه ارگانیک وجود دارد (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴: ۶۱). با تأملی ژرف در آرا به دست می‌آید که آهنگ حروف با صدای طبیعی پدیده موردنظر متناسب است، علاوه بر این، در پژوهشی با عنوان: «*آواهای قرآنی و تأثیرات اعجازگونه معنایی*» با استفاده از دانش پردازش سیگنال و مقایسه فرکانس‌های تشکیل‌شده از صوت واژگان با فرکانس طبیعی پدیده موردنظر، تطابق آوا با معنا اثبات شده است (درویشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). در نتیجه، دلالت آوایی پدیده‌ای بدیهی است. الفاظی که رابطه‌ای طبیعی میان صوت و معنا دارند صدامعنا یا نام‌آوا نام دارند که با تقویت صدا، حرکت و معنا، در زنده کردن و تنوع‌بخشی زبان مؤثر هستند (محمدی و کمرخانی، ۱۳۹۳: ۱۵۲). هر چند صدامعنا یا نام‌آوا به واژه‌هایی محدود می‌شود که با تقلید و الهام از اصوات طبیعت ساخته می‌شوند، زبان‌شناسان آن را شامل واژه-ای دانسته‌اند که آوا تداعی‌کننده معنا باشد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۱). بحث مناسبت طبیعی الفاظ، مستلزم این امر بود که حقیقت معنای الفاظ به صورت ریشه‌ای بررسی شود و این‌گونه بحث (اشتقاق) مطرح شد. همچنین، نیاز مسلمانان به درک الفاظ قرآن سبب حرکت ریشه‌یابی در ادب عربی شد، به همین دلیل از دیگر مسائلی که ابن جنی مطرح می‌کند، ارتباط معنایی بین مشتقات است که آن را برای نشان دادن مهارت خود در برگرداندن ریشه‌های مختلف به معنایی مشترک بنا نهاده است (حسن جبل، ۱۴۲۶: ۲۴۷)؛ مثلاً ترکیبات مختلف «جبر» را متضمن معنی قوت و شدت می‌داند (ابن جنی، ۱۹۵۶: ۳۹۶). ۱. «جَبْرُ الْعَظْمِ وَالْفَقِيرِ» استخوان شکسته را بستم و فقیر را توانگر کردم، به پادشاه به دلیل قدرت او و تقویت دیگران «جبار» می‌گویند. «جبر» بزرگداشت کسی چون حاکم که قوت و مجازات شدید دارد، از روی ترس و اجبار است؛ ۲. «مجرّب»: انسان باتجربه است؛ زیرا با گداختن در کوره حوادث نیرومند می‌شود، به غلاف شمشیر «جِراب» گویند که سبب نگهداری و تقویت شمشیر است؛ ۳. «بجر» امر عظیم و «ابجر» مرد ناف‌برآمده و قوی است؛ ۴. «بُرَج» قسمت محکم ساختمان عظیم است. «بَرَج» زیبایی و درشتی سفیدی - سیاهی چشم است که شدید و شفاف هستند. تبرُّج نیز شدت آشکاری است؛

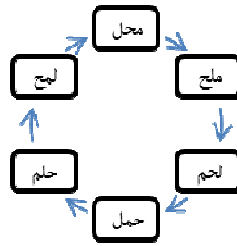
۵. «رَجَبُ الرَّجُلِ»: او را بزرگ داشتیم و به‌کارش قدرت بخشیدیم، عرب‌ها برای بزرگداشت ماه «رجب» از جنگ خودداری می‌کردند و ماهی با عظمت است که برکتِ دنباله‌دارِ ماه‌های شعبان و رمضان را به همراه دارد. همچنانکه به ستارهٔ دنباله‌دار و روده از جهت درازی و بزرگی رجب گویند. «رَجَبَهُ» نیز تکیه‌گاه شاخهٔ درخت پر میوه است تا از خم شدن آن جلوگیری کند، بندهای انگشتان را «راجبه» خوانند؛ زیرا سبب قدرت و استحکام انگشت می‌شود؛ ۶. «رَبِج» به معنی عظمت و امتلاء و رِباجی مردی خودبزرگ‌بین است که به عملش می‌نازد و آن را تقویت می‌کند، حال آنکه آن اندازه ارزش ندارد. بدین ترتیب مشتقاتی که در تعداد و نوع حروف اصلی‌شان یکسان، اما در ترتیب حروف متفاوتند، معنای اصلی مشترکی دارند، همچنانکه معنای خاص جدیدی نیز می‌یابند (الصالح، ۱۹۷۰: ۱۷۳). هر چند برخی معتقدند نظریهٔ ابن جنی در برخی الفاظ مصداق دارد؛ اما نگارندگان به هیچ وجه به مباحثی که معرکهٔ آرای موافقان و مخالفان است، دامن نزده‌اند و ادعای اثبات ندارند. درحقیقت، چنین مباحثی نیازمند بررسی عملی مصدق است و با بحث‌های تئوری و استدلال‌های عقلی نمی‌توان پاسخی مناسب ارائه کرد. از این رو، پژوهش حاضر با استناد به منابع موجود و در حوزهٔ الفاظ قرآن تلاشی در راستای بررسی عملی و مصداقی نظریهٔ نام‌آوایی (صدامعنائی)^۱ و اشتقاق بوده و درصدد بیان اعجاز قرآن و کمک به قرآن‌آموزان است. همان‌گونه که نتایج کشف‌شده از ارتباط واژگان بی‌شمار در قرآن به‌منزلهٔ اعجاز‌آمیزترین متون عربی، شاهد و نشان‌دهندهٔ این امر است. شخص ابن جنی (۱۹۵۶: ۱۳۶/۲) هم معتقد است، اگر احیاناً برخی از ترکیب‌ها با معنای مورد نظر چندان ارتباط نداشت، باید با تأویلی ماهرانه میان آن‌ها رابطه برقرار کرد؛ زیرا اشتقاق با جنبهٔ خلاقیت زبان در ارتباط است (Mathews, 1991: 63). افزون بر این‌ها، اشتقاق ویژگی بارز و افزون‌کنندهٔ کارایی زبان عربی است که تسلط بر آن از شروط مفسر است. همچنین، «سر اللغه العربیه» و «مفتاح فهم» آن شمرده می‌شود (حسن جبل، ۱۴۲۶: ۳)؛ زیرا جمع معانی کثیر در الفاظ قلیل است (سیوطی، ۱۹۵۹: ۳۹۷) و با عنوان «اقتصاد ترکیبی» نام برده شده است؛ زیرا تناسب میان مشتقات سبب تداعی معنای آن‌ها می‌شود و با ذکر واژه‌ای، ناخودآگاه واژه‌های متناسب با آن به ذهن متبادر می‌شود. سپس جست‌وجو و لذت شنیدن واژهٔ متناسب، سبب مانایی آن در حافظه می‌شود. بدین صورت کاهش تلاش ذهن برای حفظ مفاهیم الفاظ بیشتر، روند انتقال پیام را تسریع بخشیده و درنهایت، به حافظه‌سپاری آن سریع‌تر انجام می‌گیرد. همچنین، سبب می‌شود

تا مخاطب خسته و دلزده نشده و پردازش اطلاعات در حافظه وی تسریع شود؛ زیرا به کاوش ذهنی واداشته شده تا به دنبال معانی دیگر برود و این‌گونه ذهن او پویا شده است؛ در نتیجه خروج اطلاعات از ذهنش به‌سختی صورت می‌پذیرد، بدین سبب ذهن فعال اطلاعات را سریع تثبیت می‌کند و با کم‌ترین سختی، بهایی گرانمایه دریافت می‌کند (صیادی و جعفری، ۱۳۹۵: ۹۷). این فارس نیز اساس اشتقاق را اختصار می‌داند که همان اصل کم‌کوشی^{۱۷} است و اهمیت ویژه-ای در زبان‌شناسی دارد (فرخنده، ۱۳۷۸: ۱۲۰)؛ زیرا زبان ابزاری آسان و کم‌هزینه برای تبادل اندیشه است و هر چه مسیر کوتاه‌تر باشد، مخاطب با کم‌ترین انرژی، اطلاعات بیشتری بهره-برداری و دریافت خواهد کرد، متکلم نیز با کم‌ترین تلاش ذهنی، بیشترین فایده زبانی را ارائه می‌دهد (قباوه، ۲۰۰۱: ۳۱). بنابراین، اشتقاق با قدرت فاکتورگیری بالا در زبانی زبان نقش مهمی دارد؛ زیرا چندین معنی را در یک کلمه فشرده و ذخیره‌سازی می‌کند و سبب سهولت آوایی، صرفه‌جویی در زمان، کاهش برون‌دهی انرژی ذهنی و فیزیکی و کم‌تر درگیر کردن عضلات زبان و ذهن می‌شود (صیادی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۱). همچنین، از آنجا که صوت‌آواها با معنا رابطه ملموس‌تری دارند، زودتر می‌توانند مفاهیم ذهنی را منتقل کنند و به کوتاه‌ترین فاصله دال و مدلول و ایجاد وحدت بیان آن دو انجامند (قهرمانی و جابری، ۱۳۹۵: ۱۲). از آنجا که جایگزینی سریع در ذهن و استفاده بهینه از آوا ویژگی اقتصادی قرآن کریم است، اینکه بر پایه صدامعنایی با دانستن معانی حروف، معنای کلمه مجسم می‌شود و بر اساس اشتقاق با فهم معنای یک ریشه می‌توان، معنای دیگر مشتقات آن را هم دریافت تا سرانجام حلاوت فراگیری آسان‌تر و سریع‌تر مفاهیم واژگان بی‌شمار میسر شود، همان اقتصاد زبانی مد نظر پژوهش است؛ زیرا تبیین مفهوم ریشه در کنار مشتقات آن، بسی آسان‌تر از فهم جداگانه همه ریشه‌ها، بدون دانستن ارتباط معنایی بین آنهاست و این‌گونه راه را بر مشتاقان مفاهیم قرآنی هموارتر می‌سازد.

۴. تحلیل داده‌ها

بر اساس آنچه در مبانی نظری این پژوهش آورده شد، انطباق نظریه ابن جنی در یکی از نام-آواهای مشتقات قرآنی، یعنی «م، ح، ل» مطمح نظر این جستار است. از نظر عقلی، برای هر کلمه

۶ حالت قابل فرض است (الصالح، ۱۹۷۰: ۱۸۷) که به تبیین آوایی - لغوی مشتقات حاصل از «م، ح، ل» خواهیم پرداخت:



شکل ۱: مشتقات حاصل از آوای «ح، ل، م»

Figure 1: The derived forms out of the sounds (م، ح، ل)

۱. م، ح، ل: (میم) از حروف لمسی^۸ است که در هنگام تلفظ با انطباق و بست در لب‌ها، راه عبور هوا از طریق دهان مسدود می‌شود، سپس هوا به نرمی و آسانی از راه بینی خارج و در آخر با امتداد و باز شدن لب‌ها صوت آن ایجاد می‌شود، بدین صورت، بیشتر واژگانی که هم-خوان «م» در آن به‌کار رفته است، معانی سکوت، بست، قوت، شدت، مکش، جمع، منبع، کمال، امتداد و وسعت را آشکار می‌سازد؛ زیرا هر قدر چیزی جمع و فشرده شود، قوت بیشتری می‌یابد (عباس، ۱۹۹۸: ۷۱). این معانی، اشاره بر خداوندی است که منبع بی‌پایان قدرت و کمالات است. همچنین، بر شدت مؤاخذه خداوند و وسعتی به پهنای شوره‌زار دلالت دارد که کس را یارای فرار از آن نیست، به گونه‌ای که شیره جان مجرمان را می‌کشد. هر چند با تحمل بالا تا فرا رسیدن زمان مناسب در برابر جدل و بهانه‌تراشی آنان لب فرو بسته و با امتداد نعمت از خود مرونت (نرمش) و صبوری نشان می‌دهد تا مجرمان را مهار کرده، راه چاره را ببندد و آن‌ها را وادار به سکوت و تسلیم کند.

ح: زمانی که صبر کارساز نیست، با محو نعمت، حرارت خشم الهی، مجازاتی غافلگیرانه از جایی که گمان آن نمی‌برند، تدبیر و مقدمه‌چینی می‌کند تا مجرمان را احاطه کرده، آن‌ها را به مشقتی اندازد که تحملش را نداشته، آه از نهادشان برآید. با خشوع مجرمان در برابر خالق یکتا سرانجام پاک، لطیف و عاری از گناه شوند؛ زیرا هم‌خوان «ح» که از حروف شعوری حلقی و

مهموس است، صوت آن از انقباض در حلق رخ می‌دهد. میل هوا به بیرون، فشردن رطوبت و ایجاد پراکندگی حاصل از آن، بیانگر احاطه، درهم‌پیچیدگی، میل، انحراف، نابودی، رقت، حسن، صفا، زیبایی، احساسات پنهان، خشونت، شدت و حرارت است. علاوه بر این هرهر آتش یا هیاهو، گریه‌زاری و صداهای نامهموس (مبهم) را نیز به‌گوش می‌رساند (خاقانی و فضیلت، ۱۳۹۳: ۶). هم‌خوان «ل» نیز لثوی و روان است که برای تولید آن زبان به دندان‌های بالا متصل می‌شود، سپس با جدا شدن زبان، هوا به راحتی از کناره‌های زبان خارج می‌شود، بنابراین ترکیبی از لطافت، نرمی، روانی، چسبندگی، التصاق و سرازیر شدن را به همراه دارد، همچنین بیانگر مالکیت و یادآور عملیات خوردن و چشیدن غذاست. از طرفی حرف «ل» نمایانگر عظمت و جلوه‌گری نیز هست (مؤمنی، ۱۳۹۲: ۷۸): زیرا درنهایت، خداوندی که مالکیت جهان به‌دست او است، سرانجام مجرمان را آشکار، بدی‌هایشان را رسوا، نقشه‌شان را برملا و کیدها و چاره‌اندیشی‌های آنان را نقش بر آب می‌سازد. با لبریز و سرازیر شدن غضب الهی، عذابی با عظمت جلوه‌گری می‌کند و چنان گسترده و پیوسته تحمیل شود که آن‌ها را در حوزه قدرت و حکمت الهی، چون موم یا غذای جویده شده، نرم، خوار و هلاک گرداند، علاوه بر این‌ها، التماس و پیوند به حکومت الهی نیز از معانی «ل» است. این در حالی است که معنای واژه نیز کاملاً با آوای آن هم‌سوست. اصل در ریشه «محل» تضییق، شدت و محدودیت است، چه در کمی نعمت یا خشکی زمین و چه در صفات باطنی و ظهور غضب یا تضییق در عیش و رسیدن قحطی که به آشکار کردن معایب، دشمنی، بدگویی، حيله و فریب منجر می‌شود و نیز بر غلبه قدرت الهی و عقوبت سخت در برابر مجادله مجرمان دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴۰).

۲. م، ل، ح: بست در لب‌ها که در آوای «م» رخ می‌دهد (سیبویه، ۱۹۶۷: ۴۸۹)، نشانه قوت و تکامل بخشیدن به غذا، سکوت و رضایت بر طعم مطبوع و قابل تحمل یا دلالتی برسفت شدن گوشت توسط نمک است. «ل» نیز از آواهای ذوقی و چشایی و دال بر روانی و حرکت دورانی زبان به کناره‌هاست (محمدبشر، ۱۹۸۰: ۱۲۹) که فرایند خوردن و چشیدن غذا یا نرمی، فراوانی و وسعت شوره‌زار را بیان می‌کند. درنهایت، آوای «ح» که بر حالت نفسانی عمیق دلالت می‌کند (الصغیر، ۱۴۲۰: ۱۷۶)، لذت و هیجان ناشی از مقدار مناسب نمک را ترسیم می‌کند، همان‌گونه که فرد از ملاحظت زیبارویان و شوخ‌طبعی بذله‌گویان به شور و هیجان می‌آید. هر چند مقدار بیش از اندازه آن غذا را خراب، دهان را جمع و چهره را به‌هم می‌پچد. همچنین، نمایانگر پنهان

بودن نمک در آب دریاست که سبب گندزدایی و جلوگیری از فساد و در نتیجه قوام چنین گوشتی لطیف یا التیام زخم‌هاست. به همین خاطر است که برای دوام، ماندگاری و تحمل‌پذیری بیشتر گوشت، آن را نمک‌سود می‌کنند. «ملح» در لغت به معنی شور، نمک، ماهی نمک‌سود، طعم دگرگون، کمی وفا، زیبا، دلپذیر و... آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۹۹) و این همان نقش آوا در رسایی مفهوم است.

۳. ل، ح، م: حرف «ل» بر نرمی، لطافت و لذیذی گوشت در عملیات خوردن حکایت دارد. انعطاف‌پذیری آن نیز حرکت استخوان‌ها را روان می‌سازد و همچنین، یادآور لحیم کردن و جوش خوردن زخم است، چنانکه در تلفظ آن حبس با سر زبان نمناک است و چسبندگی ایجاد می‌کند (ابن سینا، ۱۳۴۸: ۸۰). «ح» نیز که از حروف مهموس است (زندی، ۱۳۸۵: ۴۳) احاطه، پوشانندگی و افزایش زیبایی بدن را القا می‌کند. حرف «م» که دلالت بر قوت و شدت دارد (ابن جنی، ۱۹۵۶: ۱۳۴)، تراکم، استحکام، پیوستگی و پهنای گوشت بر استخوان را روشن‌تر می‌کند. درحقیقت،

واج‌های این واژه با آوای خود معانی «لحم» را در ذهن تداعی می‌کنند که اصل در آن تداخل و آمیزش است، چه در گوشت برآوردن استخوان، استحکام تاروپود پارچه، جوش خوردن زخم یا درگیری در جنگ و... باشد (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲۳۸).

۴. ح، م، ل: واج «حاء» که از ته حلق به صورت ضعیف و از عمق خفایای پنهان انسان بیرون می‌آید (عبدالله، ۲۰۰۸: ۹۴)، هیجان، هیاهو و صدای نامفهوم برخواسته از جنب‌وجوش و نفس-نفس زدن حیوانات را طنین‌افکن می‌کند؛ زیرا حرکت و بار تحمیلی، باربر را به زحمت و تکاپو انداخته، حرارت درونی‌اش را چه ناشی از خشم یا خستگی، به غلیان درآورده، آه از درونش برمی‌خیزد. از آنجاکه «ح» حامل معانی حروف پس از خود نیز است و بار آن‌ها را به دوش می‌کشد بنابراین، درهم‌پیچیدگی، بسته و پنهان شدن بار و خمیده شدن کمر باربر را به تصویر می‌کشد. زنان نیز در کجاوه از نگاه‌ها، سرما و گرما پنهان و مصون می‌مانند که علاوه بر «خفیات» بر «قتل» و «دوران» دلالت دارد. «میم» نیز از واج‌های دولبی است که هنگام تلفظ مستلزم افزایش حجم لب‌هاست، گویی کاربرد آن در واژه سبب ایجاد ابهت خاصی شده است (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۴: ۵۳) که نشان از قوت و هیبت باربر، شدت و سنگینی بار دارد، اما چاره‌ای جز سکوت، تحمل و لب فرو بستن ندارد و به سختی لب به شکایت می‌گشاید. دنباله «م»

و «ل» بیانگر نرمش، تسلیم، سربه‌زیر آوردن، روان شدن و حرکت باربر است. هر چند چسبیدن بار بر باربر مزاحم آن است که به راحتی و مستقیم حرکت کند و به این طرف و آن طرف متمایل و منحرف می‌شود، به همین دلیل «لام» را واج انحرافی^۹ می‌گویند که ناشی از حرکت، تمایل و انحراف زبان به کناره‌ها در هنگام تلفظ است (انیس، ۱۹۷۵: ۶۴). چنان که ذکر شد، واج‌ها با درگیر کردن اندام صوتی تداعی‌کننده و القاگر معنای حمل بار یا تحمیل آن بر باربر هستند (راغب، ۱۴۱۲: ۲۵۷).

۵. ح، ل، م: صوت «ح» که از انقباض حلق همراه با شدت، حرارت و احتکاک رخ می‌دهد (ستوده‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۰۸)، حرارت و هیجان درونی ناشی از خستگی روزانه یا خشم، احاطه و درهم پیچیدن فرد را ملموس‌تر می‌سازد. سپس «لام» که از اصوات «ذلقی» است و از سر خوردن زبان و خروج هوا به نرمی و روانی در هنگام تلفظ پدید می‌آید (الخولی، ۱۹۸۷: ۳۴) بر سرازیر شدن خشم یا انعطاف و نرمش نشان دادن دلالت دارد، همچنانکه فرد با استراحت یا خواب به آرامش می‌رسد و به ملایم سخن گفتن، تأنی، پنهان کردن عصبانیت، سکوت، لب فروبستن و خاموشی منجر می‌شود (المازنی، ۱۹۹۰: ۶۷). این امر با افزودن بر حسن و کمالات فرد، نشانه قوت، رشد عقلی ناشی از بلوغ و برگرفته از معانی صوت «م» است. می‌توان بیان کرد که آواها در این کلمه کاملاً با معانی «حلم» مطابقت و تناسب دارد؛ زیرا بلوغ، رسیدن به سنی است که شکیبایی سزاوار فرد است. همچنانکه به خواب‌های آشفته مقتضی سن بلوغ نیز اشاره دارد (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۶۷).

۶. ل، م، ح: «ل» که صامتی روان است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹)، بر نرمی و روانی حرکت پلک چشم اشاره دارد، صامت «م» نیز که صوت آن از بستن لب‌ها و سپس امتداد صوت آن حاصل می‌شود (ابن‌الجزری، بی‌تا: ۲۰۱). بستن، پیوستگی و پهنای پلک بر چشم، آرامش و تأنی ناشی از آن را در ذهن تداعی می‌کند و درنهایت، صامت «ح» با دلالت بر احاطه، لطافت و حسن (العلائی، ۱۹۹۸: ۶۳) احاطه و فراگیری پهنای پلک بر چشم، لطافت، زیبایی و نگاه‌های پنهانی زیبارویان را جلوه‌گر می‌کند. با این توصیفات به نظر می‌رسد اصوات حاصل از ترکیب حروف، گویای معنای لغوی چشم بر هم زدن برای «لمح» است. همچنانکه به معنای درخشش و روشنی برق نیز می‌باشد که استعاره از سرعت رخداد کارها یا اجرای عذاب قیامت است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۴۳).

از مجموع مطالب می‌توان به این نکته دست یافت که میان واژگان و آوای آن‌ها نوعی تناسب برقرار است و نه تنها حروف به‌کار رفته در واژه تداعی‌گر معنای آن است؛ بلکه به تقویت معنا نیز کمک می‌کند (پرین، ۱۳۷۳: ۹۷) و چنان معنای واژه در آواهای آن تبلور یافته که با شنیدن آوا می‌توان به معنای واژه دست یافت. بنابراین، اگر شنونده معنی لفظی را نداند، به کمک طنین برخواسته از حروف به آن می‌رسد (المازنی، ۱۹۹۰: ۶۷). همان‌گونه که وقتی از «عباده صیرمی» درباره معنای «اذغاغ» پرسیدند، گفت: می‌پندارم سنگ باشد، آن‌گونه که از آوای آن احساس می‌کنم (سیوطی، ۱۹۵۹: ۱۴۵). البته، می‌توان علاوه بر استفاده از داده‌های جایگاه تلفظ حروف و ویژگی آواها که به آن‌ها اشاره شد، به شکل نوشتاری حروف نیز توجه داشت و مستندات حاصل از این سه دسته را با عناوین پیشنهادی ۱. ساختار معنا (شیوه تولید آوا در اندام گفتاری)؛ ۲. سیما معنا (خط و شکل نوشتاری حروف، کشیدگی، خمیدگی، بی‌نقطه بودن و...) و ۳. آوامعنا (ویژگی معنایی نکرشده برای حروف) تقسیم‌بندی کرد و از دلالت‌های آن‌ها در جهت کشف معنا بهره برد که این امر نیازمند بررسی‌های علمی، مستندسازی آزمایشگاهی و تجربی خواهد بود. همان‌گونه که در درک توصیف‌های آوایی، شناخت اندام‌های صوتی ضرورت می‌یابد (حقوق‌شناس، ۱۳۸۸: ۸۱) و به جایگاه تولید (مخارج حروف) یا شیوه تولید (حالت اندام‌های صوتی) اشاره می‌شود (یول، ۱۹۹۶: ۵)، خط نیز به‌منزله وسیله ثانویه در نمایش آوا بوده و زبان به دو جنبه گفتار و نوشتار تقسیم می‌شود (زندى، ۱۳۸۵: ۱۵) و نوشتار، عرضه بیان در قالب زبان اشارتگر و تصویر حروف به‌منزله رسالت بصری بر معانی آن‌ها اشاره دارد. «م» در نوشتن به گونه‌ای است که گویا حرف «ه» را به «ا» چسبانده و بر معانی ترکیب، پیوستگی و قوت اشاره دارد. همچنین، امتداد دنباله «م» بر وسعت و تنگنای حلقه «م» انسداد، سکوت و تسلیم را به تصویر می‌کشد. ویژگی «ح» در نداشتن نقطه و پیرایه است و بر معانی زیبایی، پاک‌ی، سر در باطن داشتن، در هم پیچیدگی و خمیدگی بسان حلقه زلف یا پیچش گوش اشاره دارد. در تشابه شکل «ل» نیز به سرازیر شدن، خمیدگی یا محو شدن اشاره شده است (حیدری، ۱۳۹۴: ۱۴۷). استفاده از داده‌های شکل نوشتاری، مخارج و صفات حروف همچنانکه، به ذاتی بودن معانی آوا اشاره دارد، در تبیین بهتر معانی و تداعی آن کمک نیز می‌کند و این‌گونه یافته‌های ما تنها مبتنی بر تخیل یا برداشت درونی نیست؛ بلکه جنبه علمی می‌یابد.

جدول ۱: دلالت‌های معنایی آواهای «ح، ل، م»

Table 1: Semantic implications of the sounds (ح، ل، م)

آوا	ویژگی نوشتاری	ساختار گفتاری	دلالت‌های معنایی
م	دایره بسته، امتداد دنباله	بسته شدن لب‌ها سپس امتداد آن در خروج صوت	منبع، بست، قوت، مکث و...
ح	پیچش، بی‌نقطه بودن	انقباض حلق، عبور هوا با سختی و فشردگی	حرارت پنهان، نابودی و...
ل	سرازیری، خمیدگی	چسبیدن و جدا شدن زبان به نرمی از کام بالا	نرمی، پیوستگی، جلوه‌گری و...

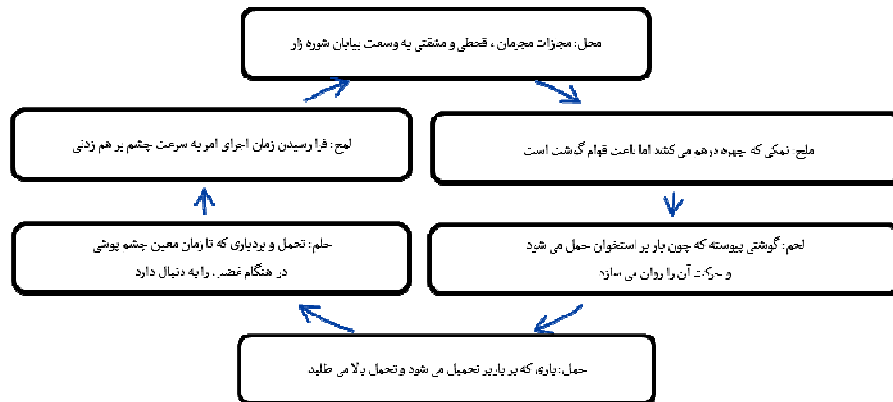
علاوه بر این، مشتقات «ح، ل، م» از لحاظ لغوی نیز معانی مرتبطی دارند. از دیگر نکات قابل توجه در این هماهنگی، گاهی تضاد معانی دو واژه است. به دیگر بیان، مشتقات بدون ارتباط نیستند؛ بلکه گاهی ربط تضادی دارند. همچنانکه بین مشتقات ارتباط معنایی ترادف^{۲۰}، تضاد^{۲۱}، افزایش^{۲۲}، تقابل^{۲۳}، توالی^{۲۴}، تأکید^{۲۵}، نفی^{۲۶} و ... را می‌توان یافت؛ زیرا چینش آواها به‌گونه‌ای است که علاوه بر یک معنای کلی، معنا و آهنگ خاصی را نیز القا می‌کند. همچنانکه در بار معنایی واژگان (قوت، شدت و ضعف) نیز مؤثر است و یک ویژگی در یک کلمه کاهش و در دیگری افزایش می‌یابد و همین امر می‌تواند تقابل ایجاد کند. برای نمونه، همان‌گونه که ریشه «محل» به معنای دشمنی پنهان، جدال، مجازات و خشم است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴۰). از معانی «ملح» نیز بی‌وفایی، بداخلاقی، لشکر بزرگ (مناسب برای جنگ) استنباط می‌شود. همچنین، غیبت، عیب‌جویی، ناسزا، فتنه، جنگ، خشونت و کشتار از معانی «لحم» است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲۳۸). همچنین، «لمح» بر سرعت اجرای قیامت، فرارسیدن زمان مجازات و عجله در عقاب مجرمان اشاره دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۸۴)؛ اما در مقابل «حلم» به معنای پرهیز از خشم و برآشفتنگی، عدم عجله، بردباری و مهلت دادن است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۶۷) و «حمل» بر تحمل، بردباری و چشم‌پوشی از بار گناه دلالت دارد (مهیار، ۱۳۷۵: ۲۲). برای اینکه ارتباط مشتقات به‌خوبی آشکار شود، سایر معانی در برابر هم نشان داده شده است.

جدول ۲: ارتباط لغوی مشتقات حاصل از آواهی «ح، ل، م»

Table 2: the Lexical relationships of the derived forms out of the sounds (ح، ل، م)

محل	ملح	لحم	حمل	حلم	لمح
دور شدن، راندن، پرنده بال زد و دور شدن، شکار روان شد، راه-دنبال شکار روان شد، راه-روانه و سرازیر تأنی، جاری شدن- بیابان‌دوردست، شد، یاد کشتی را گریز نیافت، اسیر شد، به‌زمین شد، کوچ کرد، سکونت امرالهی درماندن، ناچار راند	علم و دانش شیمی	پیشگویی تاریخ، آگاهی از آینده .	علم روایت، حفظ قرآن	عقل، تفکر و بینش سریع دقت	جاری شدن- بیابان‌دوردست، درماندن، ناچار راند
دشمنی پنهان، منع ظهور حق، غبار، چهره‌گرفته، متغیر، ظهور معایب	راست و دروغ-دروغ-آمیخت، کبودی، طعم دگرگون، نمک، انگور سفید	داستان تخیلی، افسانه، غشای داخلی چشم، انبارگوش، اندوهگین	مبهم، محتمل، تنوع، پنهان درکجاوه یا مرکب، بر سطح خودظاهر کرد	خیالات در-زیرچشمی، و-نابینا شد، پریشان درخشش‌برق، محاسن‌آشکار	دشمنی پنهان، منع ظهور حق، غبار، چهره‌گرفته، متغیر، ظهور معایب
بدگویی، ضایع و -هلاک کرد، جدال، انتقام، خشم، غضب	بی‌وفایی، بداخلاقی، لشکر بزرگ، نکته، سنج	غیبت، عیب‌جویی، ناسزا، فتنه، جنگ، شکار، مردار برای درندگان، خشم، نگاه‌تیزبین	سخن‌چین، حمله، چشم‌پوشی از بار گناه، به دیدگاه-اعتبار نگر نیست	عدم عجله، مهلت، پرهیزان-خشم	بدگویی، ضایع و -هلاک کرد، جدال، انتقام، خشم، غضب
خشک‌سالی، بی-باران، بی‌برکت، گرسنگی، مشقت، مقاومت، قدرت، داربست، ستون فقرات	شوره‌زار، شبنم، درخت برگ ریخته، غذا خوردن، آسانی، برکت	خشک کردن گوشت، گیاه-بپچیده و دانه‌دار شد، رزق، گوشت، سخت گرفتار شد	ابر پرباران، بار-درخت، ذخیره-رزق، مشقت، تحمل تکلیف	دسته‌علف، بالاحتلام-به-زحمت‌افتاد	خشک‌سالی، بی-باران، بی‌برکت، گرسنگی، مشقت، مقاومت، قدرت، داربست، ستون فقرات
دفاع و تقویت-کردن، شیر سفت و فاسد	تعهد، حرمت نمک، شیرخوارگی، چاقی	دوستی، خویشاوندی، تعهد، ذمام، گوشت و چربی، چاقی	یاری، سپاس-گذار، بارداری، بازمانده	مدارا، بردباری سینه‌بزرگ	دفاع و تقویت-کردن، شیر سفت و فاسد

و این‌گونه انطباق و ارتباط معانی آوایی مشتقات با معنای لغوی^{۲۷} و دلالت آوا بر معنا بر پایه نظریه صدامعنایی و اشتقاق آشکار می‌شود. همچنین، می‌توان نتایج حاصل از مشتقات «م، ح، ل» در قرآن کریم را در قالب یک نمودار نشان داد و ارتباط معنایی جالبی را بین آن‌ها آشکار ساخت.



شکل ۲: ارتباط معنایی مشتقات حاصل از آواهای «ح، ل، م» در قرآن کریم
 Figure 2: The meaning relationships of the derived forms out of the sounds (ح، ل، م) in the Holy Quran

نه تنها رعد، بلکه همگی فرشتگان از ترس مجازات الهی به تسبیح الهی مشغولند؛ اما باز گروهی درباره خدا به مجادله بر می خیزند: «يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ... وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» (الرعد/۱۳/۱۳)، در حالی که خداوند بر رسوا ساختن معایب مجرمان قادر است (الطباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۰۴). گویی با مجازاتی سخت، آن‌ها را در بیابانی شوره زار رها می کند.

همان نمک شوره زاری که مقدار بیش از اندازه آن بد طعم است و چهره را در هم می کشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷/۲۷۲). هر چند آفرینش آب شور دریاها و منافع آن نشانه قدرت الهی است: «هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ» (الفرقان/۲۵/۵۳).

عجیب اینکه دریای شور محل تازه نگه داشتن گوشت ماهی و روزی آن‌هاست: «سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا» (النحل/۱۶/۱۴). همچنین، به مواهب بهشتیان و گوشت اشتها آور از هر نوع که بخواهند اشاره می کند: «لَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ» (الطور/۵۲/۲۲). سپس برای یقین یافتن به بهشت یا زندگی پس از مرگ می فرماید: نگاه کن، چگونه بر استخوان‌ها گوشت می پوشانیم:

«انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا» (البقره/ ۲ / ۲۵۹). همچنان که در ابتدای خلقت نیز مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشانیدیم: «فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» (المؤمنون/ ۲۳ / ۱۴) و چون لباس آبروی فرد را نگه می‌دارد، صدمه زدن به شخصیت معنوی فرد به وسیله غیبت به خوردن گوشت تن او تشبیه شده است: «لَا يَتَّبِعُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (الحجرات/ ۴۹ / ۱۲). همچنین، به حلال بودن گوشت چهارپایان جز برخی اشاره می‌کند: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِزْيِيرِ» (البقره/ ۲ / ۱۷۳) که حکمت تحریم را باید در آثار روحی یا جسمی آن‌ها بررسی کرد (طالقانی، ۱۳۶۶: ۴۳).

همان چهارپایانی که بارهای سنگین شما را حمل می‌کنند: «تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ» (النحل/ ۱۶ / ۷). به علاوه بر آن‌ها و بر کشتی‌ها سوار می‌شوید: «عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ» (المؤمنون/ ۲۳ / ۲۲) تا روزی به دست آورید و بسیارند جنبندگانی که نمی‌توانند روزی خود را حمل و ذخیره کنند؛ اما خدا آن‌ها را روزی می‌دهد: «وَكَايُنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا» (العنکبوت/ ۲۹ / ۶۰) و درمقابل نعمت‌های بی‌شمار، انسان بار امانت الهی را بر دوش کشید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (الأحزاب/ ۳۳ / ۷۲). هر چند برخی از مکلفان به تورات، حق آن را ادا نکردند: «الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا» (الجمعة/ ۶۲ / ۵)؛ اما مؤمنان درخواست می‌کنند: پروردگارا، بار سنگین یا مجازات‌هایی که طاقت تحمل آن را نداریم بر ما مقرر مدار «رَبَّنَا... لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا... وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (البقره/ ۲ / ۲۸۶). فرشتگان حاملان عرش نیز برای مؤمنان استغفار می‌کنند: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ... يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (غافر/ ۴۰ / ۷)؛ زیرا (هنگامی که) در قیامت زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند: «حُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ» (الحاقة/ ۶۹ / ۱۴). کسی که بار ستمی بر دوش دارد، زیان‌کار است: «قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (طه/ ۲۰ / ۱۱۱)؛ زیرا خود را به گناهای مانند: تهمت زدن به افراد بی‌گناه «فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا» (النساء/ ۴ / ۱۱۲) یا سخن‌چینی: «حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» (المسد/ ۱۱۱ / ۴) و... آلوده است و چنان وحشت سراپای همه را فرا گیرد که هر بارداری جنین خود را سقط می‌کند: «تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ

حَمَلُهَا» (الحج / ۲۲ / ۲)؛ اما سوگند به ابرها که بار سنگینی حمل می‌کنند: «فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا» (الذاریات / ۵۱ / ۲). هنگامی که سیل بر روی خود کفی حمل کند، کف‌ها همچون باطل به‌کنار می‌روند و حق آشکار می‌شود: «فَاحْتَمِلْ السَّيْلُ زَبَدًا» (الرعد / ۱۳ / ۱۷). همچنانکه حقیقت درباره بی‌گناهی یوسف آشکار شد و خواب آن زندانی که دید نان روی سرش حمل می‌کند: «إِنِّي أُرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا... إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف / ۱۲ / ۳۶) را به درستی تعبیر کرد (بروجردی، ۱۳۶۶: ۳۵۴).

هر چند معبران به تعبیر این‌گونه خواب‌های پریشان آگاه نبودند: «قَالُوا أَضْغَاتُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ» (یوسف / ۱۲ / ۴۴) که اقتضای سن بلوغ است: «إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» (النور / ۲۴ / ۵۹)؛ اما انتظار می‌رود، شخص بالغ عاقلانه و سنجیده عمل کند و خداترسی در پیش گیرد. هر چند برخی به دلیل اعمالی که فرمان عقل آن‌ها نیست؛ بلکه سرچشمه در روح طغیانگیشان دارد، سرزنش می‌شوند: «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ» (الطور / ۵۲ / ۳۲). با این حال خداوند بردبار و آمرزنده است: «إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (فاطر / ۳۵ / ۴۱) و در مجازات آن‌ها عجله نمی‌کند؛ بلکه به مقدار کافی مهلت می‌دهد و درهای توبه را باز می‌گذارد تا اتمام حجت شود (بابایی، ۱۳۸۲: ۷۷).

آنگاه که تحمل به‌سر آید و فرمان برپا شدن قیامت صادر شود، با سرعت یک چشم بر هم زدن که آسان‌ترین و کم‌مدت‌ترین کارهاست، همه چیز در مسیر رستاخیز قرار می‌گیرد: «مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَّمِجٍ بِالْبَصْرِ» (القمر / ۵۴ / ۵۰) و برای مجازات مجرمان یک فرمان بیشتر لازم نیست (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۱۰).

در یک جمع‌بندی همان‌گونه که «محل» بر غضب، عذاب، خشکسالی و بیابان شوره‌زار دلالت دارد، «ملح» نیز به معنای نمک شوری است که مقدار زیاد آن چهره درهم می‌کشد. همان‌گونه که شدت قحطی و بار عذاب الهی که بر فرد تحمیل می‌شود، غیرقابل تحمل است، نمک زیاد نیز فشار خون فرد عصبی مزاج را بالا می‌برد، برعکس خوردن «لحم» شتر فرد را بردبار و نرم‌خو می‌سازد. همچنانکه دشمنی پنهان و بدگویی از معانی «محل» است، غیبت تحمیلی بر فرد غایب نیز به خوردن «لحم» مرده تشبیه شده است. همان‌گونه که «لحم» بر استخوان پوشیده و «حمل»

می‌شود، شدت عذاب «محل» نیز «لحم» بر استخوان می‌چسباند. «حمل» گوشت بر استخوان سبب روانی حرکت آن می‌شود، همچنانکه، سبب حمل ماهی در میان دریاست یا غلظت آب «شور» بدن انسان را روی خود شناور نگه می‌دارد. همان‌گونه که به ستون فقرات شتر «محل» می‌گویند، به حیوان باربر نیز «حموله» می‌گویند؛ زیرا طاقت «حمل» بار را دارد، حمل بار نیز طبیعتاً قدرت تحمل بالایی را می‌طلبد که مستلزم «حلم» و بردباری است؛ اما زمانی که دیگر «حلم» کارساز نیست، به‌سرعت یک چشم برهم زدن «لمح» همچون پوشش پلک بر چشم، عذابی غافلگیرانه «محل» بر مجرمان جاری می‌شود و آن‌ها را فرا می‌گیرد و سرانجام این چرخه ادامه می‌یابد.

۵. نتیجه

با توجه به شواهد قرآنی و استنادات زبان‌شناسان، یکی از ابزارهای خداوند برای انتقال مؤثرتر معانی و مفاهیم به مخاطبان استفاده از هنر آوامعنایی به هدف تدبر در آیات و تقویت اعجاز لفظی، معنوی و اقتصادی قرآن است.

بار آوایی حروف با خصوصیات معنای مورد نظر بسیار نزدیک است و به بهترین شکل معانی الفاظ را القا می‌کند. بین مشتقات ارتباط معنایی ترادفی و گاهی تضادی وجود دارد؛ زیرا بر اساس صدامعنایی هر آوا در تجسیم معنای یک واژه مؤثر است. همچنین، بر پایه نظریه اشتقاق در دریافت معانی دیگر مشتقات با واج‌های یکسان هم نقش دارد، همچنانکه چینش‌های «ح، ل، م» به‌منزله کدهای آوایی، بر معانی مشترک: حرارت پنهان، لطافت، بست و قوت دلالت دارند. برخی کارکردهای پژوهش عبارت‌اند از هماهنگی نتایج صدامعنایی و نظریه ابن جنی، ارتباط معنایی مشتقات بر اساس اصل جانیشینی، روشی کدینگ، سریع و آسان برای به‌ذهن سپردن معنا و تسلط بر آن‌ها بر اساس اصل کم‌کوشی و...

۶. پی‌نوشت‌ها

۱. Ibne Jani: ابن جنی، ابوالفتح عثمان بن جنی موصلی (۳۲۱ - ۳۹۲ق)، عالم به صرف و نحو، لغت و ادب عربی است (الزرکلی، ۱۹۷۲: ۴، ۲۰۴).

۲. Onomatopoeia: مناسبت طبیعی میان الفاظ و معنای آنها به نظریه تقلید صوتی معروف و صدامعنا یا نام آوا نام دارد.

3. derivatives

۴. Derivation: اشتقاق در کتب و مقالات معادل ریشه‌شناسی واژگان یا etymologie گرفته می‌شود (خوش‌منش، ۱۳۸۸: ۱۳)

5. phonology

6. aesthetic

7. semiotics

8. derivation

9. voices

۱۰. فنو سمانتیک: semanticsphono

11. Cratylus

۱۲. EPICURUS: پیرو مکتب فلسفی رواقیون.

۱۳. از متفکران معتزلی قرن دوم هجری.

۱۴. فیلسوف بزرگ عصر صفوی.

۱۵. بطرس جبرئیل یوسف عواد مشهور به انستاس ماری الکرملی زبان‌شناس عراقی لبنانی.

16. Semantic sound

۱۷. least effort: کم‌کوشی یا اقتصاد زبانی.

18. touch letters

19. deviation phoneme

20. sequence

21. conflict

22. increase

23. contrast

24. sequences

25. emphasis

26. negation

27. The literal meaning

۷. منابع

- قرآن کریم
- آزادی، پرویز و سهیلا نیکخواه (۱۳۹۷) «سیک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. ش ۱. صص ۶۵ - ۸۶.

- ابن‌الجزری، محمد (بی‌تا). *النشر فی القراءات العشر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۹۵۶). *الخصائص، تحقیق محمدعلی نجار*. ج ۱ و ۲. بیروت: دارالهدی.
- ابن درید، ابوبکر (۱۳۷۸ق). *الاشتقاق*. قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۲۴۸). *اسباب حدوث الحروف*. ترجمه پرویز ناتل خانلری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغه*. دارالفکر.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). *لسان‌العرب*. بیروت: دار صادر.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی*. تهران: فاطمی.
- انیس، ابراهیم (۱۹۸۴). *دلاله الالفاظ*. القاهره: مکتبه الانجولو المصریه.
- _____ (۱۹۷۵). *الاصوات اللغویه*. القاهره: مکتبه الانجولو المصریه.
- امیری، جهانگیر (۱۳۸۶). «رویکردی به جنبه‌هایی از زیبایی‌شناختی موسیقی الفاظ قرآن کریم». *پژوهش دینی*. ش ۱۵. صص ۱۳۷ - ۱۵۶.
- بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- بروجردی، سید محمدابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*. تهران: صدر.
- بنت الشاطی، عائشه محمد علی عبد الرحمن (۱۴۲۵). *التفسیر الیبانی للقرآن الکریم*. قاهره: دارالمعارف.
- پرچم، اعظم و همکاران (۱۳۸۹) «معناشناسی رحمت رحیمیه در قرآن». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ش ۱۴. صص ۹۵ - ۱۱۶.
- پرین، لارنس (۱۳۷۳). *در باره شعر*. ترجمه فاطمه راکعی. تهران: اطلاعات.
- جزایری، نورالدین (۱۳۸۰). *فروق اللغات*. تهران: چاپ محمد رضوان الدایه.
- جوالیقی، ابو منصور (۱۹۶۶). *المعرب*. تهران: افست.
- حاجی‌خان، علی و همکاران (۱۳۹۵). «ریشه‌شناسی واژه قرآنی علم در زبان‌های سامی». *جستارهای زبانی*. ش ۶. صص ۲۷ - ۴۷.
- حسن حسن جبل، محمد (۱۴۲۶). *علم‌الاشتقاق نظریا و تطبیقا*. قاهره: مکتبه‌الادب.
- حسینی، سید شهاب‌الدین (۱۳۹۵). «صدامعنایی در شعر اخوان». *همایش ادبیات فارسی*

- معاصر. ش ۱. صص ۱۴۵ - ۱۶۲.
- حسینی، محمدضیاء (۱۳۶۶). *درآمدی بر زبان‌شناسی همگانی*. تهران: سترگ.
 - حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۸). *آواشناسی*. تهران: آگاه.
 - حیدری، مرتضی (۱۳۹۴). «نشانه‌شناسی نگرش‌های حروفی مولانا». *متن‌پژوهی ادبی*. ش ۶۷. صص ۹۱ - ۱۳۱.
 - خاقانی، محمد، یوسف فضیلت (۱۳۹۳). «دلالت آوایی در آیه‌های وعدووعید، قرآن». *آینه پژوهش*. ش ۱. صص ۶۷ - ۹۰.
 - خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۸). «فرهنگ اشتقاقی تطبیقی واژگان قرآن». *علوم و معارف قرآن*. ش ۲. صص ۹ - ۴۲.
 - الخولی، محمد (۱۹۸۷). *الاصوات اللغویة*. ریاض: مکتبه الخریجی.
 - الدایة، فایز (۱۹۹۶). *علم الدلالة العربیة*. دمشق: دارالفکر.
 - درویشی، منصور و همکاران (۱۳۹۱). «آواهای قرآنی و تأثیرات اعجازگونه معنایی». *اولین همایش اعجاز قرآن*. صص ۱ - ۱۱.
 - راغب، الحسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
 - رافعی، مصطفی صادق (۱۴۲۱). *اعجاز القرآن و البلاغه النبویة*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 - روبنز، ر. ه (۱۹۹۷). *موجز تاریخ علم اللغه (فی الغرب)*. ترجمه احمد عوض. الکویت: عالم-المعرفة.
 - زارع، آفرین و همکاران (۱۳۹۱). «تحلیل آوایی صحیفه سجادیه». *پژوهش قرآن و حدیث*. ش ۴۵. صص ۷۱ - ۹۱.
 - الزرکلی، خیرالدین (۱۹۷۲). *الاعلام*. قاهره: دارالعلم.
 - زندی، بهمن (۱۳۸۵). *آواشناسی و تجوید قرآن*. پیام نور.
 - ستوده‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۸). *بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی*. تهران: رایزن.
 - سیبویه، ابو بشر عمر بن عثمان (۱۹۶۷). *الکتاب*. بیروت: العالمیة.
 - سید قطب، ابراهیم (۱۹۹۵). *التصویر الفنی فی القرآن*. بیروت: دارالشروق.
 - _____ (۲۰۰۳). *النقد الادبی اصوله و مناهجه*. القاهره: دارالشروق.
 - سیدی، سید حسین و زهرا عبدی (۱۳۸۴). «التحلیل الموسیقی لآی القرآن الکریم». *شناخت*.

ش ۴۷. صص ۵۹ - ۷۴.

- سیوطی، جلال‌الدین (۱۹۵۹). *المزهر فی علوم اللغه*. بیروت: المكتبة العصرية.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: فردوس.
- الصالح، صبحی (۱۹۷۰). *دراسات فی فقه اللغه*. بیروت: دارالعلم.
- الصغیر، محمدحسین (۱۴۲۰). *الصوت اللغوی فی القرآن*. بیروت: دارالمورخ العربی.
- صیادی، روح‌الله، صدیقه جعفری (۱۳۹۵). «جلوه‌های اقتصاد زبانی قرآن». *زبان‌شناختی قرآن*. ش ۱. صص ۸۷ - ۱۰۴.
- ضیاء‌آذری، شهریار و همکاران (۱۳۹۸). «فرایندهای واجی در قرآن». *جستارهای زبانی*. ش ۲. صص ۷۳ - ۹۸.
- طالقانی، سیدمحمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- الطباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: حوزه علمی.
- الطبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
- عباس، حسن (۱۹۹۸). *خصائص الحروف العربیه و معانی‌ها*. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- عبدالله، محمدفرید (۲۰۰۸). *الصوت اللغوی و دلالاته فی القرآن الکریم*. بیروت: مکتبه الهلال.
- عبدالتواب، رمضان (۱۳۶۷). *مباحثی در فقه اللغه و زبان‌شناسی عربی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عسکری، ابو هلال (۱۴۰۰). *الفروق فی اللغه*. بیروت: دار الآفاق.
- العیالی، عبدالله (۱۹۹۸). *تهذیب المقدمه اللغویه*. دمشق: دارالسؤال.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *کتاب‌العین*. قم: هجرت.
- فرخنده، پروانه (۱۳۷۸). *پیشینه اشتقاق از دیدگاه دانشمندان مسلمان*. زبان و ادب. ش ۹.
- فلاح، ابراهیم و شفیعی‌پور، سجاد (۱۳۹۴). «کاربردشناسی نشانه‌های آوایی قرآن». *پژوهش‌های قرآن*. ش ۱. صص ۴۱ - ۶۳.
- قائمی، مرتضی و مجید صمدی (۱۳۹۰). «بررسی چیدمان حروف معلقات سبع». *زبان‌پژوهی*. ش ۶. صص ۶۹ - ۱۱۰.
- قباوه، فخرالدین (۲۰۰۱). *الاقتصاد اللغوی فی صیغه‌المفرد*. القاهره.

- قدور، احمد محمد (۱۹۹۹). *مدخل الى فقه اللغة العربية*. بيروت: دارالفکر.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قهرمانی، بهاء‌الدین، محمد جاوری (۱۳۹۵). «اعجاز لفظی و هنری قرآن». *پژوهش ادبی*. س ۴. ش ۳. صص ۱۲۷ - ۱۵۵.
- کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتاب‌فروشی محمد حسن علمی.
- الکرملی، انستاس ماری (۱۹۳۸). *نشوء اللغة العربية و نموها*. قاهره: المطبعة العصرية.
- المازنی، عبد القادر (۱۹۹۰). *الشعر غایاته و وسائله*. بیروت: دارالفکر.
- محمدبشر، کمال (۱۹۸۰). *علم اللغة العام للاصوات*. قاهره: دارالمعارف.
- محمدی، علی و ماندانا کمرخانی (۱۳۹۳). «صدامعنایی شعر گفتاری معاصر». *ادب‌پژوهی*. ش ۲۷. صص ۱۳۷ - ۱۶۱.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی الفاظ القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مؤمنی، منصور (۱۳۹۲). *در باره معانی حروف*. تهران: مشکی.
- مهیار، رضا (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*. تهران: اسلامی.
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۳). «صوت‌آواها و نظریه منشأ زبان». *پژوهش‌های ادبی*. ش ۳. صص ۱۱۵ - ۱۳۲.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵). *فرهنگ نام‌آوایی فارسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ولک، رنه (۱۳۸۸). *تاریخ نقد ادبی*. ترجمه سعید ارباب. تهران: نیلوفر.
- یاسوف، احمد (۱۳۸۸). *زیباشناسی واژگان قرآن*. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: چاوشگران.

References:

- *The Holy Quran*
- Abbas, H. (1998). *Characteristics of Arabic Letters and Meanings*. Damascus: Arab Writers Union. [In Arabic].

- Abdullah, M. (2008). *The Linguistic Sound and its Implications in the Noble Quran*. Beirut: Al Hilal office. [In Arabic].
- Abd al-Tawab, R. (1367). *Topics in Jurisprudence and Arabic Linguistics*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Arabic].
- Al-Daya, F. (1996). *Arabic Semantics*. Damascus: al-Fikr House. [In Arabic].
- Al-Farahidi, Kh. (1410). *The Book of Al-Ain*. Qom: Hijrat. [In Arabic].
- Al-Karmali, A. (1938). *The Emergence and Growth of Arabic Language*. Cairo: Al-Asriya Press. [In Arabic].
- Al-Khouli, M. (1987). *Linguistic Voices*. Riyadh: Al-Khariji School. [In Arabic].
- Al-Mazani, A. (1990). *Poetry, its Goals and Means*. Beirut: al-Fikr House. [In Arabic].
- Al-Saghir, M. (1420). *The Verbal Voice in the Qur'an*. Beirut: Arab History House. [In Arabic].
- Al-Saleh, S. (1970). *Studies in Philology*. Beirut: Alam House. [In Arabic].
- Al-Tabarsi, F. (1993). *The Interpretation of the Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic].
- Al-Tabataba'i, S. (1417). *Libra in the Interpretation of the Qur'an*. Qom: Hawza. [In Arabic].
- Al-Zarqali, Kh. (1972). *Celebrities*. Cairo: The Science House. [In Arabic].
- Amiri, J. (2007). "An approach to aspects of the cognitive-musical beauty of the words of the Holy Quran." *Religious Research*. No. 15. Pp: 137-156. [In Persian].
- Anis, I. (1984). *The Signifier of Words*. Cairo: The Anglo-Egyptian library. [In Arabic].
- Anvari, H. & Ahmadi Givi, H. (2007). *Persian Grammer*. Tehran: Fatemi. [In Persian].

- ----- (1975). *Linguistic Voices*. Cairo: The Anglo-Egyptian library. [In Arabic].
- Askari, A. (1400). *Differences in Language*. Beirut: Al Afaq House. [In Arabic].
- Azadi, P & Nikkhah, S. (2018) "Stylistics of surah Al-Waqi'ah based on linguistic analysis". *Quranic Linguistic Research*. No. 1. Pp:65-86. [In Persian].
- Babaei, A. A. (2003). *Selected Sample Interpretation*. Tehran: Islamic Library. [In Persian].
- Boroujerdi, S. M. I. (1987). *Comprehensive Interpretation*. Tehran: Sadr. [In Persian].
- Bint Al-Shatai, A. (1425). *The Explanatory Interpretation of the Holy Qur'an*. Cairo: Encyclopedia. [In Arabic].
- Darvish, M. et. al. (2012). "Quranic Sounds and Miraculous-Semantic Effects". *The First Conference on the Miracle of the Quran*. Pp: 1-11. [In Persian].
- Fallah, I. & Shafi'ipour, S. (2015). "Application of phonetic signs of the Quran". *Quran Research*. No 1. Pp: 41-63. [In Persian].
- Farkhondeh, P. (1999). "The background of derivation from the point of view of Muslim scientists". *Language and Literature*. No 9. [In Persian].
- Haghshenas, A.M. (2009). *Phonetics*. Tehran: Agah. [In Persian].
- Hajikhani, A. et. al. (2016). "The etymology of the Qur'anic word for science in the Semitic languages". *Language Related Research*. No. 6. Pp: 27-47. [In Persian].
- Hassan Hassan Jabal, M. (1426). *Scientific and Theoretical Research*. Cairo: Literature Office. [In Arabic].
- Heidari, M. (2015). "Semiotics of Mowlana's letters of attitude". *Literary Text Research*. No 67. Pp: 91-131. [In Persian].
- Hosseini, M. Z. (1987). *An Introduction to Public Linguistics*. Tehran: Great. [In Persian].

- Hosseini, S. Sh. (2016). "Sound in the Brotherhood's Poetry". *Conference on Contemporary Persian Literature*. 1. Pp: 145-162. [In Persian].
- Ibn al-Jazri, M. (Undated). *Publishing in the Ten Readers*. Beirut: Scientific Book House. [In Arabic].
- Ibn Darid, A. (1999). *Derivation*. Cairo: Al-Khanji School. [In Arabic].
- Ibn Fars, A. (2020). *The Dictionary of the Comparison of the Word*. Qom: al-Fikr House. [In Arabic].
- Ibn Jani, A. (1956). *Properties, Research by Mohammad Ali Najjar*. Vol. 1 & 2. Beirut: al-Huda House. [In Arabic].
- Ibn Manzoor, M. (1414). *Arabic Language*. Beirut: Sader House. [In Arabic].
- Ibn Sina, A. (1969). *The Causes of the Occurrence of Letters*. Translated by Parviz Natel Khanlari. Tehran: Iranian Culture Foundation. [In Arabic].
- Jawaliqi, A. (1966) *Al-Ma'rib*. Tehran: Offset. [In Arabic].
- Jazayeri, N. (2001). *Dictionary*. Tehran: Mohammad Rezvaneh Al-Daya. [In Arabic].
- Kashani, M. (1957). *Interpretation of the Approach of the Honest in Obliging Violators*. Tehran: Mohammad Hassan Elmi Bookstore. [In Arabic].
- Khaghani, M. & Fazilat, F. (2014). "The meaning of sound in the verses of the promise, the Qur'an". *Research Mirror*. No 1. Pp: 67-90. [In Persian].
- Khoshmanesh, A. (2009). "Comparative derivative culture of Quranic words". *Quranic Sciences and Knowledge*. No 2. Pp: 9-42. [In Persian].
- Mahyar, R. (1996). *Arabic-Persian Alphabetic Culture*. Tehran: Islamic. [In Persian].
- Mathews, P.(1991). *Morphology*, 2nd, ed, Cambridge, cup.
- Mohammad Bashir, K. (1980). *General Linguistics of Sounds*. Cairo: Al-Maaref House. [In Arabic].

- Mohammadi, A. & Kamarkhani, M. (2014). "The Sound of contemporary poetry". *Research in Literature*. No 27. Pp:137-161. [In Persian].
- Mo'meni, M. (2013). *On the Meanings of the Letters*. Tehran: Black. [In Persian].
- Mostafavi, H. (1981). *Research on the Words of the Holy Qur'an*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian].
- Nikobakht, N. (2004). "Sounds and the theory of the origin of language". *Literary research*. No 3. Pp :15-132. [In Persian].
- Parcham, A. et. Al, (2010), "Semantics of Rahmat Rahimiyeh in the Quran". *Research in Quranic and Hadith Sciences*. No. 14. Pp: 95-116. [In Persian].
- Perrin, L. (1994). *On Poetry*. Translated by Fatemeh Rakaei. Tehran: Information. [In Persian].
- Qabawa, F: (2001). *The Linguistic Economy is in Singular Formulation*. Cairo. [In Arabic].
- Qadur, A: (1999). *Entrance to the Jurisprudence of the Arabic Language*. Beirut: al-Fikr House. [In Arabic].
- Qaemi, M. & Samadi, M. (2011). "Investigation of the arrangement of the letters of the letters of Saba". *Research language*. No. 6. PpM 69-110. [In Persian].
- Qahramani, B & Jawari, M. (2016). "Verbal and artistic miracle of the Quran". *Literary Research*. No 3. Pp: 127-155. [In Persian].
- Qorashi, A: (1371). *Quran Dictionary*. Tehran: Islamic Library. [In Persian].
- Ragheb, A. (1412). *The Individual in the Strange Qur'an*. Beirut: Introduction. [In Arabic].
- Rafi'i, M. (1421). *The Miracle of the Qur'an and the Rhetoric of the Prophet*. Beirut: Scientific Book House. [In Arabic].
- Rubens, R. E. (1997). *A Summary of the History of Language Science (in the West)*. Translated by Ahmed Awad. Kuwait: the world of knowledge. [In Arabic].

- Sayyid Qutb, I. (1995). *Artistic Depiction in the Qur'an*. Beirut: Sunrise House. [In Arabic].
- Sayadi, R. & Jafari, S. (2016). "Effects of Quranic language economics". *Quranic Linguistics*. No 1. Pp: 87-104. [In Persian].
- Sayyid Qutb, I. (2003). *Literary Criticism, its Origins and Methods*. Cairo: Sunrise House. [In Arabic].
- Shafiee Kadkani, M. R. (1991). *Imagination in Persian poetry*. Tehran: Agah. [In Persian].
- Shamisa, C. (2002). *A New Look at the Innovative science*. Tehran: Paradise. [In Persian].
- Sibouyeh, A. (1967). *The Book*. Beirut: Global. [In Arabic].
- Sidi, S. & Abdi, Z. (2005). "The analysis of music in the Holy Qur'an". *Cognition*. No 47. Pp: 59-74. [In Arabic].
- Sotoudehnia, M. R. (1999). *A Comparative Study between Tajweed and Phonology*. Tehran: Consultant. [In Persian].
- Suyuti, J. (1959). *Florid in the Sciences of Words*. Beirut: Modern office. [In Arabic].
- Taleghani, S. M. (1983). *A Ray of the Qur'an*. Tehran: Publication Co. [In Persian].
- Vahidian Kamyar, T. (1996). *Persian Phonetic Dictionary*. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian].
- Wellek, R. (2009). *History of Literary Criticism*. Translated by Saeed Arbab Shirani. Tehran: Niloufar. [In Persian].
- Yasov, A. (2009). *Aesthetics of Quranic Words*. Translated by Seyed Hossein Sidi. Tehran: Chavoshgaran. [In Persian].
- Yule, G. (1996). *The Study of Language*, Cambridge.
- Zandi, B. (2006). *Recitation of the Qur'an*. Payame -Noor. [In Persian].

- Zare, A. et. al. (2012). "Sound Analysis of Sajjadieh's Poem". *Research, Quran and Hadith*. No 45. Pp: 71-91. [In Persian].
- Zia Azari, Sh. et. al. (2019). "Proper processes in the Quran". *Linguistic Research*. No 2.Pp: 73-98. [In Persian].